

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

ایسکرا ۴۵۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۸ اسفند ۱۳۸۷، ۱۸ مارس ۲۰۰۹

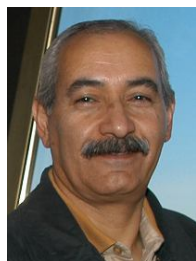
منصور فرزاد - عبدال گلپریان Iskraa_nkk@yahoo.com

شهرهای کردستان امروز در دست مردم بود

صفحه ۶



دلایل داغ شدن تنور مذاکره حزب دمکرات با حکومت اسلامی



مصاحبه ایسکرا با عبدال گلپریان

ایسکرا: اخیراً مصطفی هجری از حزب دمکرات کردستان ایران اعلام کرده است که آماده است تا با حکومت جمهوری اسلامی به مذاکره بنشینند. سؤال این است با توجه به اینکه بار اول نیست که حدکا از مذاکره با رژیم اسلامی سخن می گوید و بهای آنرا هم پرداخته است، اما در شرایطی که وضع رژیم اسلامی، جنگ و دعوی جناحها، مبارزه و اعتراضات در جامعه بویژه تنفر مردم نسبت به رژیم وارد ابعاد تعیین کننده ای شده است، چگونه

است که مسئله مذاکره به صدر سیاست این حزب ارتقا پیدا کرده است؟

صفحه ۲

ایسکرا سال نو را به همه شما عزیزان تبریک می گوید



ایام سال نو و سفره های خالی کارگران

شریف ساعدیناه

(نماینده کارگران پرسی و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران) برگرفته از سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران



شامل میشود از آنان سلب کرده اند. پایان اسفند ماه روزهای اوج استرس و نگرانی کارگران است چرا که افزایش دستمزدها در جریان است. در این ماه در شورای عالی کار نیروی کار ما به حراج گذاشته می شود. در این حراج بدون چانه زدن خریدار یعنی سرمایه دار معامله را تمام و بدون فروشنده و یا نماینده واقعی او همه چیز را به پایان میرسانند.

علاوه بر مسئله افزایش دستمزدها یکی دیگر از دغدغه های کارگران که تمام چشم امید کارگر در پایان هر سال به آن دوخته میشود عیدی آخر سال است که باعث نگرانی کارگر میشود و او را

صفحه ۳

این روزها بسیاری از اقشار مردم سرگرم خریدهای نوروزی هستند و خود را برای سال نو آماده میکنند. ولی از آنجا که خوشبختانه نو شدن طبیعت طبقاتی نیست همه انسانها بطور طبیعی به استقبال سال نو میروند.

در این ارتباط تا آنجا که به طبقه کارگر بر میگردد داشتن ایامی شاد و فرح بخش را نیز در سال نو که فقط چند روزی از ۳۶۰ روز را

علیه فلاکت به میدان بیاید!
حداقل دستمزد نباید کمتر از یک میلیون باشد!

صفحه ۳



زنده با اتحاد و همبستگی کارگران

ناصر اصغری

مبارزه پیگیر و متحدانه کارگران این شرکت، و در دور اخیر پس از ۶ ماه مبارزه پیگیر، بالاخره "دیوان عدالت اداری" رژیم نیز بدنبال رأی هیئت حل اختلاف اداره کار سنجند قیید "موقت" را در قراردادهای کارگران مردود شمرد و آن را حذف کرد و همچنین رأی به بازگشت

کارگران اخراجی داد.

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دلایل داغ شدن نور مذاکره . . .

از صفحه ۱

برای مذاکره با رژیمی است که مردم در صدد به زیر کشیدن آن هستند.

از سوی دیگر دورانی که احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق و با کمکهای مالی و نظامی آمریکا به قدرت راه یافتند، حدکا و دیگر جریانات قومی مدهوش این سناریو شدند. تداوم حاکمیت احزاب گمارده شده در کردستان عراق توسط آمریکا، برای حدکا به امید و تکیه گاهی برای یک کپی مشابه در کردستان ایران بدل شده بود. اما با شکست سیاستهای آمریکا در منطقه از یک سو و از سوی دیگر دست بالا پیدا کردن جریانات اسلامی در عراق و ایجاد فضای تنگ و محدود برای ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق، امید دوم حدکا را هم به یاس تبدیل کرد. اختلافات داخلی اتحادیه میهنی به دلیل فساد و دزدیهای کلان سران آن و غرولند مقامات پایین تر از یک طرف و اعتراض و ناراضی مردم علیه این حکومت فاسد از طرف دیگر، اکنون با مشکلات جدی مواجه شده اند. در این رابطه هم وضع و حال ناسیونالیسم حاکم در کردستان عراق از موقعیت شکننده ای برخوردار است که بازتاب آن را در سطح منطقه میتوان مشاهده کرد. حدکا هم بدون تاثیر از موقعیتی که فراهم شده است نیست.

و اما مولفه سوم که حدکا را به اتخاذ چنگ انداختن آشکار برای مذاکره با حکومت اسلامی واداشته است، حضور جنبشی چپ و سوسیالیستی در کردستان ایران است. این یکی آن فاکتوری است که حزب دمکرات و کل اردوگاه ناسیونالیستها را با مخصصه جدی روبرو ساخته است. واقعیتهای امروز جامعه کردستان در قوی شدن چپ و سوسیالیسم خواهی مبارزات رادیکال و اجتماعی مردم، قوی شدن و محبوبیت حزب کمونیست کارگری و اردوی چپ جامعه، حدکا را بیشتر از آنچه که این حزب تصور می کند به حاشیه رانده است. به هر اندازه که چپ و کمونسم در کردستان خود را

به جلو صحنه می کشاند، به همان اندازه امید و آرزوهای ناسیونالیسم کرد عقیم می ماند و شانس چندانی برای شریک شدن در قدرت را برای آنها باقی نمی گذارد.

مجموعه عواملی که اشاره کردم، حزب دمکرات را ناچار کرده است علیرغم اتکا به فدرالیسم و برافراشتن این پرچم و مرگ بر جمهوری اسلامی گفتن، فکر می کند که با ضعیف شدن جمهوری اسلامی، این امکان را پیدا خواهد کرد که شاید رژیم برایشان حساسی باز کند و آنها را در بازی شرکت دهد و سهمی نصیبشان شود. از این رو با توجه به مجموعه این دلایل، امید بستن برای احیای مذاکره و ساخت و پاخت با رژیم اسلامی را روی میز خود گذاشته اند.

حدکا برای رسیدن به سهمی که ناسیونالیسم کرد آرزویش را همیشه در سر داشته است به مذاکره روی آورده است. آرزوی این حزب و همه ناسیونالیستها هیچگونه ربطی به آرزوهای مردم ندارد. با نگاهی به خواست و مطالبات مردم در جامعه کردستان می توان بسادگی دریافت که این افق و این سیاستها چقدر در تضاد با هم قرار دارند. مردم کردستان با مبارزات و اعتراضات خود و در هماهنگی با مبارزات مردم در سراسر کشور در تلاش برای خاتمه دادن به سه دهه از عمر ننگین رژیم اسلامی هستند اما در مقابل این تصویر ما شاهد سازش و مباحثات حدکا با رژیم هستیم.

اتحادیه علمای دینی حدکا در خدمت به مذاکره با جمهوری اسلامی تاسیس شد. افق مذاکره بویژه در شرایطی که پایه های حکومت اسلامی ترک های عظیمی برداشته است، حدکا و دیگر احزاب و جریانات ناسیونالیست و فدرال خواه با امید بستن هر روزه به سازش و مذاکره با کنیفت ترین حکومت تاریخ، کنگره، پلنوم و جلسه می گذارند و بی ربطی و عوامفریبی و دروغ خود مینوی بر رف ستم ملی را عیان تر می کنند. رفع ستم ملی مورد ادعای حدکا و دیگر جریانات ناسیونالیست نیز همان پوششی

است که برای سهم خواهی از قدرت به آن آویزان شده اند. اینها هیچ ربطی به مسئله رفع ستم ملی ندارند. رفع ستم ملی برایشان تنها اتیکتی برای شریک شدن در قدرت است.

ایسکرا: حدکا از زبان مصطفی هجری بیان کرده است که به کنگره میلتهای ایران فدرال با شرکت رضا پهلوی و داریوش همایون بسیار امیدوار است که در آن رضا پهلوی گفته است بجز ارتش، پول و سیاست خارجی، میلتهای مختلف در ایران می توانند حاکمیت محلی یا شکل فدرالی را داشته باشند. این مانور دانهای حدکا چه ربطی به رفع ستم ملی دارد؟

عبدل گلپریان: ویژگی مشترک سلطنت طلبان و حدکا برای رسیدن به قدرت این است که از بالای سر مردم به هر سازش و بند و بسی برسند. از یک سو شاهد تلاش حدکا برای مذاکره و نزدیکی با رژیم اسلامی و از سوی دیگر تلاش این حزب برای نزدیکی و همکاری با سلطنت طلبان برای موقعیتی دیگر و فریاد سرنگونی حکومت اسلامی هستیم. هنوز که دستشان به جایی بند نشده، در کنگره میلتهای ایران فدرال دارند غنائم تقسیم می کنند هر یک به نوبه خود دارد تلاش می کند تا به هر شانس که قابل دسترس تر باشد دست یابد. در کنار این هیاهو و جنجال که این جریانات برپا می کنند، تصویر بزرگتر و عظیم تری از جدال طبقاتی و اجتماعی مابین ما و مردم از یک سو و حکومت اسلامی از سوی دیگر در جریان است. این آن فاکتور مهم و تعیین کننده اوضاع سیاسی امروز در ایران است که این جریانات را به تکاپو واداشته است.

به یمن حضور خواست و مطالبات چپ، سوسیالیستی و انسانی که حزب کمونیست کارگری آنرا در میان مردم تقویت و نمایندگی می کند، حدکا را در موقعیتی قرار داده است که به هر خار و خاشاکی آویزان شود. از یک

سو سجده بردن به بارگاه رژیم در حال سقوط و از سوی دست در گردن جریانات یکبار ساقط شده و امتحان

پس داده سلطنت برای تقسیم غنائم در شرایطی دیگر. پیداست که بجز از این طریق، از راههای دیگر شانسی برای به لجن کشیدن جامعه را نخواهند داشت. هر دو جریان فعلا در موقعیت خوبی قرار ندارند، از پایگاه و نفوذ اجتماعی قابل ملاحظه ای هم برخوردار نیستند. چشم انداز انقلاب سوسیالیستی بساط اینها را جمع خواهد کرد و همین چشم انداز است که موجب اتحادهای امروزشان شده است.

از سوی دیگر توافق روی فدرالیسم هم برگی برای مقبولیت نزد آمریکا است و به آن نیاز دارند. علاوه بر این از نظر خود اینها نزدیکی حزب دمکرات با شاه پرستها و کنار آمریکا ایستادن یک فشار به جمهوری اسلامی است و از طرف دیگر آمادگی حزب دمکرات برای مذاکره با رژیم اسلامی یک برگی در دست آنها در مقابل سلطنت طلبان است که اطمینانی زیادی بهم ندارند. در واقع در بازیهای سیاسی در این سطوح انواع و اقسام این باصلاح تناقضات را میتوان مشاهده کرد و هر کدام زودتر دست بدهد به آن آویزان میشوند. خون پاشیدن به جامعه را برای قدم های بعدی و بعد از مذاکره و سهم شدن در قدرت نگه داشته اند. آنچه که امروز آنها را در کنار هم قرار داده است این است که از بالای سر مردم و با بند و بس سهمی عایدشان بشود تحقق آرزوی اینها و سهم شدن و یا به بازی گرفتنشان، یعنی ایستادگی در مقابل مبارزات مردمی که برای سرنگونی رژیم اسلامی دارند خود را متشکل می کنند و سازمان می دهند. حدکا و آشکارا اعلام کرده که حاضر است با حکومت اسلامی وارد مذاکره شود. نفس این آمادگی برای ساخت و پاخت با رژیم بدون اینکه به واقعیت پیوند، معنایی جز خدمت به جمهوری اسلامی، ایستادن در کنار آن و تداوم و بقای این رژیم را ندارد. تحمیل خانه خرابی هرچه بیشتر به مردم با افق و استراتژی شان عجین شده است.

در مورد رفع ستم ملی هم باید گفت که حزب دمکرات برخلاف

ایام سال نو و سفره های خالی ...

از صفحه ۱

در دلهره فرو میبرد که نکند پرداخت عیدی به تعویق بیفتد. چرا که غالباً هر ساله به بهانه ها و عناوین مختلف از قبیل عدم تقدینگی و... پرداخت عیدی را به سه ماهه اول سال جدید موکول میکنند و همین امر باعث میشود با توجه به گرانی های بعد از عید، ارزش پول عیدی کارگران تا ۵۰ درصد تنزل پیدا کند.

تازه با توجه به دستمزدهای زیر خط فقر و نداری همیشگی کارگران این عیدی اگر بموقع هم پرداخت شود آنوقت فشارهای روانی و چانه زدن با خانواده شروع میشود. چون مبلغ عیدی چیزی بیش از ۳۰ درصد نیازهای یک خانواده چهار نفره کارگری را در ایام پر خرج سال نو کفاف نمیدهد و کارگر ناچار است همسر و فرزندان خود را در خیابان از مسیرهایی عبور دهد که حتی الامکان چشم آنها به چیزی که نیاز دارند، نیافتد و یا طوری سر فرزند خردسال خود را گرم کند که حواسش در خیابان به اسباب بازی فروشی ... جلب نشود.

اخراج کارگران در روزهای پایانی هر سال که امروزه به یک عرف جا افتاده در میان کارفرمایان تبدیل شده است آن هیولائی است که از اواخر بهمن ماه بر زندگی کارگر سایه میاندازد و اضطراب ناشی از حفظ یا عدم حفظ شغل تا زمانی که غول بیکاری زندگی را به یکباره به جهنمی بر کارگر تبدیل کند جز دائمی زندگی روزهای پایانی سال کارگران روز مزد و قرارداد موقت است.

عدم دریافت دستمزدهای معوقه و استرس ناشی از برزخ دریافت یا عدم دریافت دستمزد، یکی دیگر از فشارهای شدید روحی و روانی بر کارگر است که در روزها و هفته های پایانی سال به اوج خود میرسد چرا که در این ایام صاحبخانه ها و سایر طلبکاران از بقال سر کوچه تا دوست و آشنایی که کارگر از وی قرض گرفته است بدلیل پایان سال در پی وصول طلب خود هستند.

اینها و دهها درد و رنج دیگر علاوه بر فلاکتهای دائمی کارگران در تسمای ماههای سال، جزو تفکیک ناپذیر زندگی هر کارگری در

کارگر چه بسا که در سایر روزهای سال یک جوری همسر و فرزندش را برای نخریدن چیزی قانع کند، اما عید با توجه به سنت نو پوشیدن و پذیرائی گونه دیگری است و میلیونها کارگر در روزهای پایانی امسال بدتر و دردآورتر از هر سالی شرمند همسر و فرزندان خود هستند و خانواده هایشان در آتش حرص و آز سرمایه که وضعیت حاضر را ببار آورده است در حال تباهی و نابودی می باشند.

میگویند بحران اقتصادی است، آیا ما کارگران مسبب این بحران هستیم. مگر نه این است که میلیاردها ثروت موجود در جامعه حاصل دسترنج ما کارگران است و این ثروتها بر سر جای خود هستند و ریالی نیز دود نشده و به هوا نرفته و یا زمین که آنها را نبلعیده است.

پس چرا ما کارگران و خانواده هایمان در سال نو و ایام آغازین آن، باید از حاصل دسترنج خود محروم باشیم و به بهانه بحران اقتصادی گرسنگی و نداری یگانه سهم ما از سالها رنج و زحمت باشد.

حاصل دسترنج ما را میلیونها میلیاردها تومان میخورند و ذخیره میکنند و آنوقت ما کارگران پس از یکسال کار و زحمت باید حتی از چند روز انگشت شمار در سال برای برخورداری از بر آورده کردن حداقل نیازهای خانواده هایمان و استراحت و تفریح محروم باشیم.

کارگران و هم زنجیران این زندگی قابل تحمل نیست و باید به آن خاتمه داده شود. باید برای همیشه به مسئله عدم پرداخت دستمزدها و زیر خط فقر بودن این دستمزدها پایان دهیم. هیچکس اینکار را برای ما نمیکند، نباید چشم انتظار به جانی داشت.

باید متحد شد، باید متشکل شد، باید خواست و برای تحقق اش دست به دست هم داد. ما میلیونها نفر هستیم و اگر اراده کنیم کسی را یاری مقاومت در برابر خواستهای ما نیست. داشتن یک زندگی انسانی و ایامی شاد و فرح بخش در کنار خانواده هایمان حق مسلم ماست و باید برای تحقق آنها آستین ها را بالا زد و متحد و یکپارچه شد.

زنده باد همستگی کارگری
شرف ساعد پناه
۱۵/۱۲/۸۷

علیه فلاکت به میدان بیاید!
حداقل دستمزد نباید کمتر از یک میلیون باشد!

متحد و یکصدا در مقابله با فلاکت و بویژه برای افزایش دستمزدها به میدان بیاید. حزب کمونیست کارگری از فراخوان حداقل دستمزد برای سال ۸۸ تعیین کرد. طی همین سال ۸۷ در اثر گرانی های افسار گسیخته، کارگران به مراتب بیش از ۲۵ درصد از قدرت خرید خود را از دست دادند. در نتیجه این افزایش کذایی، حتی کاهش عملی دستمزد در طول یکسال را نیز جبران نمی کند. چه رسد به اینکه پاسخی به مساله مزمن دستمزدهای بسیار ناچیز باشد. حداقل دستمزد در حکومت اسلامی سرمایه چندین بار کمتر از هزینه های یک زندگی عادی و حتی سه بار پایین تر از "خط فقر" های بخور و نمیر اعلام شده توسط خود جمهوری اسلامی است. به این واقعیات اینرا هم باید اضافه کرد که سال ۸۸ با توجه به فلج اقتصادی جمهوری اسلامی و بحران جهانی سرمایه داری، سال گرانی های سرسام آورتر و فلاکت بی سابقه تر خواهد بود. جمهوری اسلامی با اعلام حداقل دستمزد ۲۷۴ هزار تومانی دارد بروشنی اعلام میکنند که اوضاعی به مراتب وخیم تر را برای کارگران و خانواده هایشان تدارک دیده است.

جمهوری اسلامی، با طرح "جراحی اقتصادی" در صدد سیاست انجماد دستمزدها بود. اما اعتصابات کارگری و اعتراضات معلمان و تومار هزاران نفره کارگران برای دستمزد به یک میلیون تومان و خشم توده های وسیع مردم چنان بالا گرفته است که رژیم را بویژه با توجه به موقعیت شکننده اش بر آن داشت که زعمای قوم گوش احمدی نژادشان را بکشند و سیاست انجماد دستمزدها را کنار بگذارند. اما با افزایش ۲۵ درصدی دستمزدها بطور قطع فقر و فلاکتی بی سابقه تر از همیشه در انتظار جامعه ایران و بویژه طبقه کارگر است. حزب کمونیست کارگری همه بخش های طبقه کارگر در سراسر کشور را فرا میخواند که

متحد و یکصدا در مقابله با فلاکت و بویژه برای افزایش دستمزدها به میدان بیاید. حزب کمونیست کارگری از فراخوان حداقل دستمزد برای سال ۸۸ تعیین کرد. طی همین سال ۸۷ در اثر گرانی های افسار گسیخته، کارگران به مراتب بیش از ۲۵ درصد از قدرت خرید خود را از دست دادند. در نتیجه این افزایش کذایی، حتی کاهش عملی دستمزد در طول یکسال را نیز جبران نمی کند. چه رسد به اینکه پاسخی به مساله مزمن دستمزدهای بسیار ناچیز باشد. حداقل دستمزد در حکومت اسلامی سرمایه چندین بار کمتر از هزینه های یک زندگی عادی و حتی سه بار پایین تر از "خط فقر" های بخور و نمیر اعلام شده توسط خود جمهوری اسلامی است. به این واقعیات اینرا هم باید اضافه کرد که سال ۸۸ با توجه به فلج اقتصادی جمهوری اسلامی و بحران جهانی سرمایه داری، سال گرانی های سرسام آورتر و فلاکت بی سابقه تر خواهد بود. جمهوری اسلامی با اعلام حداقل دستمزد ۲۷۴ هزار تومانی دارد بروشنی اعلام میکنند که اوضاعی به مراتب وخیم تر را برای کارگران و خانواده هایشان تدارک دیده است.

جمهوری اسلامی، با طرح "جراحی اقتصادی" در صدد سیاست انجماد دستمزدها بود. اما اعتصابات کارگری و اعتراضات معلمان و تومار هزاران نفره کارگران برای دستمزد به یک میلیون تومان و خشم توده های وسیع مردم چنان بالا گرفته است که رژیم را بویژه با توجه به موقعیت شکننده اش بر آن داشت که زعمای قوم گوش احمدی نژادشان را بکشند و سیاست انجماد دستمزدها را کنار بگذارند. اما با افزایش ۲۵ درصدی دستمزدها بطور قطع فقر و فلاکتی بی سابقه تر از همیشه در انتظار جامعه ایران و بویژه طبقه کارگر است. حزب کمونیست کارگری همه بخش های طبقه کارگر در سراسر کشور را فرا میخواند که

متحد و یکصدا در مقابله با فلاکت و بویژه برای افزایش دستمزدها به میدان بیاید. حزب کمونیست کارگری از فراخوان حداقل دستمزد برای سال ۸۸ تعیین کرد. طی همین سال ۸۷ در اثر گرانی های افسار گسیخته، کارگران به مراتب بیش از ۲۵ درصد از قدرت خرید خود را از دست دادند. در نتیجه این افزایش کذایی، حتی کاهش عملی دستمزد در طول یکسال را نیز جبران نمی کند. چه رسد به اینکه پاسخی به مساله مزمن دستمزدهای بسیار ناچیز باشد. حداقل دستمزد در حکومت اسلامی سرمایه چندین بار کمتر از هزینه های یک زندگی عادی و حتی سه بار پایین تر از "خط فقر" های بخور و نمیر اعلام شده توسط خود جمهوری اسلامی است. به این واقعیات اینرا هم باید اضافه کرد که سال ۸۸ با توجه به فلج اقتصادی جمهوری اسلامی و بحران جهانی سرمایه داری، سال گرانی های سرسام آورتر و فلاکت بی سابقه تر خواهد بود. جمهوری اسلامی با اعلام حداقل دستمزد ۲۷۴ هزار تومانی دارد بروشنی اعلام میکنند که اوضاعی به مراتب وخیم تر را برای کارگران و خانواده هایشان تدارک دیده است.

زنده باد اتحاد سراسری طبقه کارگر برای افزایش دستمزدها
حداقل دستمزد نباید کمتر از یک میلیون تومان باشد!
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اسفند ۱۳۸۷، ۱۲ مارس ۲۰۰۹

یک گزارش از مراسم چهارشنبه سوری در شهر سنندج



اشاره کردم. اخباری هم در این زمینه منتشر شده که هنوز از طریق خود اینها رسماً مطرح نشده است. در هر حال پیداست که چنین توافقاتی نشان از نقش اینها بعنوان زانده های سپاه پاسداران علیه چپها و کمونیستها است. بر بستر این مذاکرات يك وجه مشترك مابین حکومت اسلامی، حدکا و دیگر جریانات قومی و سلطنت طلبان، تقابل با کمونیسم نهفته است. تقویت و قدرت گیری این کمونیسم چه در هیبت حزب ما و چه در ابعاد نفوذ اجتماعی آن در میان مردم، آن هراسی است که اینها را دور هم جمع کرده است. تحقیق تمام یا حتی بخشی از این پروژه بشدت به حال جامعه مخرب و خطرناک است. اینها جریاناتی هستند که چه در کوتاه مدت و برای هم آغوشی با رژیم اسلامی و چه در ائتلاف با سلطنت طلبان برای دوران و شرایطی دیگر ظرفیت مخربی برای آفریدن فاجعه هایی نظیر هم مسلکان خود در کشورهای بلوک شرق را دارا هستند. در صورت دست یابی به کوچکترین روزنه ای، جامعه را به خاک و خون خواهند کشید. این را در طول تاریخ، فدرالیسم و قوم پرستان در کشورهای مختلف به نمایش گذاشتند.

چنانکه گفتم در ایران و بویژه در کردستان چپ و کمونیسم ریشه دارد. در ایران به دلیل وجود جنبشهای های چپ، رادیکال، انسانی و سوسیالیستی و همچنین حزبی قوی چون حزب ما، تکرار چنین فاجعه ای را باید ناممکن کرد. حضور حزب ما و جنبشهای اعتراضی، چپ و انسانی در جامعه این اجازه را نخواهد داد که خاک به چشم مردم و انقلاب پاشیده شود. در انقلابی که پیش رو داریم، کارگران، زنان، جوانان و مردم هستند که به هیچ وجه بجز سرنگونی کامل این حکومت و برپایی جامعه ای آزاد، برابر و انسانی رضایت نخواهند داد. در چنین فضایی که سوسیالیسم تنها پاسخ به فلاکت تحمیل شده به مردم است، ما و مردم و جنبشهای اعتراضی در جامعه، اجازه نخواهیم داد این سناریوها پا بگیرد.

* * *

دلایل داغ شدن تنور مذاکره . . .

از صفحه ۳

ادعایش برای رفع ستم ملی مذاکره یا جنگ نمیکند بلکه حزبی است که دنبال بدست آوردن سهم بورژوازی کرد در حاکمیت است. این تصویر و ادعای احزاب ناسیونالیسم کرد که با سرکار آمدن و یا شریک شدن در قدرت وضعیت مردم کردستان را بهتر میکنند تماماً پوچ و کذب است. تنها اهداف و سیاستهای آنها چیزی در اینباره نمیگوید بلکه تاریخ واقعی و زنده تماماً عکس آنرا نشان میدهد. حاکمیت ناسیونالیسم کرد در عراق يك نمونه زنده است. در کردستان عراق ۱۸ سال است که احزاب ناسیونالیست کرد در حاکمیت هستند اما در دوره حاکمیت اینها از سوئی فقر و بیکاری مردم گسترش یافته و از طرف دیگر سرمایه داران کرد و مقامات حکومتی به ثروتهای نجومی دست یافته اند. خود اعتراض وسیع مردم علیه فقر و گرانی و بیکاری و نیز علیه فساد اداری و دزدیهای کلان مقامات حکومتی بسادگی نشاندهنده این واقعیت است. بنابراین وضعیت مردم تحت حاکمیت "دولت خودی" تنها بهتر نشده بلکه بلحاظ اقتصادی و رفاهی بدتر از گذشته نیز شده است.

رفع ستم ملی و هر گونه نابرابری در جامعه را تنها با تحقق اهداف و آرمانهای انسانی، چپ و سوسیالیستی که حزب کمونیست کارگری در برنامه خود قرار داده است امکانپذیر است و می توان این ستم را برای همیشه ریشه کن کرد.

برای جلوگیری از خلق شدن هر گونه سناریوی خطرناک توسط قومپرستان و احزاب ناسیونالیست و برای جلوگیری از لطمه زدن به مبارزات آزادیخواهانه مردم از طریق مذاکره و بند و بست با رژیم جنایتکار اسلامی باید دور حزب کمونیست کارگری حلقه زد و برای پائین کشیدن جمهوری اسلامی و ایجاد يك جامعه آزاد و برابر و بدون هرگونه تبعیض بسیج شد. تنها از این راه است که می توان و باید مانع از خلق شدن هرگونه سناریوی خطرناکی توسط قوم پرستان و فدرالیستهای کرد شد.

ایسکرا: اخیراً در سایتهای کردی این خبر بعنوان شایعه درج شده بود که مذاکراتی در جریان است و حتی مراحمی را هم پشت سر گذاشته است در این مورد چی می گویند؟

عبدل گلپریان: در دنیای روابط دیپلماتیک قبل از بروز علنی هر گونه نشست و مذاکره ای، ابتدا مقدمات اولیه، دید و بازدیدها، واسطه گریها و غیره را بطور مخفیانه صورت می دهند و بعد از گذشت پروسه ای از آن، بلاخره به صورت علنی و رسمی از زبان این یا آن شخص تحت عنوان "کسی که درخواست نامش فاش شود" به سایتهای و نشریات فرستاده می شود. خود اینها در هفته های اخیر در مورد آمادگی برای مذاکره که رسماً در سایتهای و نشریاتشان منتشر شد آن را پنهان نکرده اند. که بالاتر به آن

به خشم آمده بودند تنها کاری که می کردند، سربازان را با خشونت از محل دور می کردند. در جاهای مختلف این مسیر، زنان و دختران که لباسهای رنگی پوشیده بودند، در میان خانواده ها روسریها را کاملاً برداشته و به رقص می پرداختند و از روی آتش می پریدند. که بعضی مواقع مورد هجوم ماموران نیروی انتظامی قرار می گرفتند و مردم ماموران را هو کرده و آنها نیز محل را ترک می کردند. بعد از آن مجدداً همه به رقص می پرداختند و در برخی مواقع مانوتهای خود را نیز در آورده و به دور آتش به رقص و شادی می پرداختند. جوانان علیه ماموران شعارهایی از جمله زنده باد آزادی، آزادی برابری، سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه، نیروی انتظامی خجالت خجالت سر می دادند. و شعارهایی به مناسبت سال نو به زبان کردی می دادند. این مراسم تا ساعت ۱۲ شب همچنان بردوام بود.

* * *



از ساعت ۴ عصر روز سه شنبه مردم زیادی برای برگزاری مراسم چهارشنبه سوری در ورودی جاده سنندج-همدان که محل تجمع هر جمعه خانواده ها و مردم سنندج است، گرد هم آمدند. جمعیتی نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر در دو طرف جاده از ساعتها قبل جمع شدند و با غروب خورشید کم کم آتشهای خود را برپا کرده و به دور آن به رقص و پایکوبی پرداختند. روشن کردن انواع مواد آتش بازی و رقص و پایکوبی و خوشحالی مردم و جوانان فضای محل را به کلی تغییر داده بود.

در طول مراسم بارها جوانان هر دو طرف مسیر رفت و برگشت جاده را می بستند و در میان جاده به رقص و شادی پرداخته و موتورسواری نیز به نمایش حرکات اکروباتیک اقدام می کردند. ماموران نیروی انتظامی که هیچگونه کنترل بر اوضاع نداشتند، چند بار قصد برهم زدن شادی و رقص جوانان را داشتند ولی با مقاومت جوانان مواجه شده و محل حضور جمعیت را ترک می کردند. در این میان بارها جوانان نیز دست ماموران نیروی انتظامی را گرفته و به میان خود آورده و آنها را به رقصیدن وا می داشتند که تماشای رقصیدن ماموران ضد شورش با باتوم و سپر به دست در میان جوانان همه مردم را به خنده آورده و آنها را هو می کردند. افسران نیز که از این حرکت جوانان

زنده با اتحاد و همبستگی . . .

از صفحه ۱

متن کامل این اطلاعیه هم در سایت اتحاد موجود است و هم در این شماره نشریه "ایسکرا" (۴۵۸) درج گردیده است. آنچه که در نگاه اول اهمیت این پیروزی را برجسته می کند، اتحاد و همبستگی کارگران یک شرکت است که سالهاست در مقابل زورگویی کارفرمایان در همدستی با نوکران ریز و درشتش و همچنین کارشکنی های ادارات مختلف دولتی و اداره اطلاعات که مرتب مزاحم کارگران شده اند.

"دیوان عدالت اداری" خود را ناگزیر دیده که به نفع کارگران رأی بدهد؛ چرا که اقتصاد ایران و سازماندهی اقتصادی ایران به سمتی نمی روند که قرارداد موقت را لغو کنند، بلکه در برنامه دولت است که حداکثر مراکز کاری را قراردادی موقت بکنند. در چند سال گذشته طبق آمار خودشان ۷۲ درصد نیروی کار این جامعه را قراردادی کرده اند. هر جا که توانسته اند و با اعتراض کارگران مواجه نبوده اند کارگران را اخراج کرده اند. همین هفته پیش ۲۰۰۰ کارگر در شرکت لوله سازی اهواز را بیکار کردند. در واقع سیاستی که رژیم اسلامی در بیست سی سال گذشته داشته است. خصوصی سازی و در نتیجه بیکارسازی و موقت کردن کاری که موقت نبوده، بوده است. در نتیجه اگر مبارزه ای از کارگران بتواند بر علیه این روند بایستد و وقفه ای در آن ایجاد کند، شکستی را به دولت کارفرماها تحمیل کرده است. در نتیجه هر کارگری و هر فعال جنبش اعتراضی باید کلاهش را در برابر اتحاد و مبارزه متحدانه کارگران پرریس سنندج از سر بردارد.

اما مبارزه کارگران پرریس سنندج، جدا از کوچک و بزرگ بودن این شرکت، جدا از درجه اهمیت رشته نساجی در اقتصاد ایران، درس های مهمی برای کل جنبش کارگری ایران دارد که جا دارد به چند نکته از آنها اشاره ای گذرا داشته باشیم.

جایگاه مجمع عمومی

برگزاری منظم مجامع عمومی و اتخاذ تصمیم و هدایت مبارزه در این مجامع، نقطه قوت و شاید مهمترین جنبه مبارزه کارگران پرریس سنندج باشد. در مجمع عمومی کل کارگران دخیل هستند و رأی کارگران حرف اول و آخر را می زند. کارگران در این مجامع به قدرت خود پی می برند و همچنین گوشه هایی از قدرت و اراده شان به بحث گذاشته می شود که برای بعضی از کارگران ناشناخته مانده بود. همچنین گوشه هایی در رابطه با مبارزه و اعتراض پیش روی به بحث گذاشته می شود که شاید اهمیت آن برای کل کارگران به یک درج درک نگردیده باشد. مجمع عمومی یک مدرسه برای رهبر شدن و دخیل شدن است. هر کارگری می تواند آنجا پرورش بیابد که چگونه خودش را در مقابل کارفرما فرموله کند. هر کارگری در می یابد که می تواند نماینده کارگران بشود و می تواند گوشه ای از کار را بگیرد و به پیش ببرد.

در مجمع عمومی هر کارگری خودش را در مقابل کارفرما و در اتحاد با دیگر همکارانش قدرتمند می بیند. هیچ کارگری خودش را تنها نمی بیند. مجمع عمومی به کارگران اعتماد به نفس می دهد.

در پرریس سنندج، با تشکل اسم و رسم داری، مثلاً سندیکای کارگران پرریس و یا شورای کارگران پرریس مواجه نبودیم. اما کارگران حتی یک روز خودشان را غیرمتشکل احساس نکرده اند. مجمع عمومی که باید پایه هر تشکل توده ای کارگران باشد، تشکل پایدار و قدرتمند این کارگران بوده است.

اگر با اخراج و دستگیری فعالین کارگری سندیکای شرکت واحد و یا سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، زندگی عادی این دو تشکل دچار اخلال گردیده، مبارزه و دخالت روزمره کارگران پرریس در مجمع

عمومی شان، نشان داد که مجمع عمومی مهمترین نقطه اتکاء هر تشکلی باید و می تواند باشد. در شرایط امروزی، اتکاء به مجمع عمومی تنها راه زنده و پویا ماندن یک تشکل کارگری است.

خانواده کارگران

مبارزه کارگران پرریس از پشتیبانی دائم و پر محبت خانواده های کارگران این شرکت برخوردار بوده است. این مسئله را ما در مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه نیز شاهد بودیم که از چند جهت اهمیت دارد. اول اینکه کارفرما و دولتش خود را با یک جامعه متحد و مصمم روبرو می بینند. دوم اینکه خود کارگران دخیل صمیمیت و دلگرمی خانواده را با خود دارند. هر کسی که یک روز در مبارزه ای دخالت داشته باشد، اهمیت همبستگی خانواده های کارگران با کارگران اعتصابی را درک می کند. این نکته که خانواده کارگران دخیل خود را صاحب مسئله بدانند، قدرت کارگران در ادامه مبارزه را دو چندان می کند. به نظر من نکته کلیدی در این رابطه این است که دریاپییم مبارزه کارگران مسئله کل جامعه است. نمونه کارگران پرریس و هفت تپه می تواند نقطه آغاز خوبی برای جاندختن همبستگی خانواده های کارگران و دخالت مستقیم این خانواده ها در مجامع عمومی و پروسه پیش رفتن اعتراض موجود باشد.

اتحادیه آزاد کارگران

اتحادیه آزاد کارگران ایران یک تشکل دخیل در مبارزه کارگران پرریس بوده است. این اتحادیه بطور مشخص اخبار مبارزه این کارگران را انعکاس داده است. شریف ساعدپناه، نماینده کارگران پرریس سنندج، عضو هیئت مدیره این اتحادیه است. این امر از این جهت اهمیت دارد که این اتحادیه از وضعیت و پروسه مبارزه کارگران پرریس سنندج اطلاع دقیقی داشته و همفکری و اقدامات لازم را انجام می داده است. اتحادیه آزاد کارگران در چهار گوشه ایران عضو و نماینده دارد و اعضای آن در اطلاع رسانی و جلب حمایت مالی و معنوی برای کارگران پرریس سنندج، دخالت

چشمگیری داشته اند.

یک نکته در همین رابطه مهم است که یادآوری شود این است که کارگران پرریس سنندج با تمام حمایت هایی که دریافت کردند، خود نیز دو بار در شش ماه اخیر به تهران رفته و پلاکاردهای اعتراضی خود را در مقابل دیوان عدالت اداری تهران برافراشته بودند.

حمایت مردم و کارگران از مراکز دیگر در سنندج

مراکز کارگری دیگری در سنندج از مبارزه کارگران پرریس حمایت بی دریغی کرده اند. گرچه مراکز کارگری دیگری هم از مبارزات کارگران پرریس سنندج بی دریغ حمایت کرده اند، اما حمایت کارگران مراکز کارگری در سنندج حضوری بوده و کارگران گاهی در صف اول پیکت کارگران پرریس حضور داشته اند. این موضوع اهمیتش همچنین در این است که کارگران اعتصابی بدانند کل محله و شهر اعتصاب او را اعتصاب خود و جنگ خود نیز می داند.

دوم اینکه سنندج شهر اعتراض است. وقتی احمدی نژاد به آنجا می رود، حکومت نظامی در سطح شهر

اعلام می گردد! در چنین جایی اعتراض کارگر به این رژیم و قوانین آن، با حمایت بی دریغ مردمی روبرو می شود.

کانال جدید و حزب کمونیست کارگری

مبارزه کارگران پرریس سنندج بطور مستمر از کانال جدید و بطور مشخص در بخش کردی این تلویزیون پوشش خبری گرفته و از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری برای بحث و ارائه تحلیل در این باره در این برنامه دعوت می شد. با کارگران دخیل در این مبارزه مصاحبه شد. اخبار اعتراض و مبارزه این کارگران همان روز از این کانال پخش می شد و با کل جامعه به همبستگی و حمایت از این کارگران فراخوانده می شد. نشریه ایسکرا و کارگر کمونیست و غیره مرتب اخبار اعتراض این بخش از کارگران را منعکس کرده و در باره آن بحث کرده اند.

به نکات دیگری هم می شود اشاره کرد؛ اما فعلاً و عجالاً اینها نکات مهمی هستند که هر ناظری می تواند آنها را با سند و مدرک نشان بدهد.

۱۶ مارس ۲۰۰۹

مزدوران رژیم اسلامی دو راننده مرزی را بقتل رساندند

عمل جنایتکارانه و تمامی اعمال ضد بشری مزدوران حکومتی علیه مردم و کارگران مرزی را بشدت محکوم می کند. کمیته کردستان حزب از مردم سردهشت می خواهد که همچنین روز سه شنبه ۲۷ اسفند ۸۷ نیروهای مزدور رژیم راننده دیگری بنام جعفر قادری ۲۵ ساله را در روستای بیتوش در مرز عراق به گلوله بسته و او را کشتند.

بنا به خبری که بدست کمیته کردستان حزب رسیده است روز ۲۵ اسفند مزدوران رژیم اسلامی یک راننده بنام صالح ابراهیم زاده را به ضرب گلوله در منطقه مرزی سردهشت بقتل رساند. همچنین روز سه شنبه ۲۷ اسفند ۸۷ نیروهای مزدور رژیم راننده دیگری بنام جعفر قادری ۲۵ ساله را در روستای بیتوش در مرز عراق به گلوله بسته و او را کشتند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن تسلیت به خانواده و بستگان صالح ابراهیم زاده و جعفر قادری این

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲۷ اسفند ۱۳۸۷

شهرهای کردستان امروز در دست مردم بود

محکم و کوبنده به سران رژیم اسلامی بود که در چند روز قبل از چهارشنبه سوری اراجیفی را علیه شادی مردم بر زبان جاری کردند. همچنین پاسخ درخوری به سفر تیر خلاص زن رژیم، احمدی نژاد بود که یک روز قبل از آن با بسیج نیروهای نظامی و انتظامی و با پوشیدن لباسهای شخصی می خواستند وانمود کنند که گویا اینها مردم هستند که به استقبال این مهره رژیم جنایتکار آمده است.

زنده باد مردم مبارز سنندج سرخ که در شب چهارشنبه سوری در سطحی وسیع و توده ای شادی آفرین فضای شهر شدند.



مهاباد

مردم شهر مهاباد از ساعت ۴ بعدازظهر به بعد در سطح محلات و خیابانهای شهر اقدام به روشن کردن آتش کردند. مراسم چهارشنبه سوری در مهاباد به حدی گسترده بود که تا چندین ساعت راههای منتهی به داخل شهر بر اثر ترافیک بسته شده بود. اتوموبیلهای نیروهای انتظامی و دیگر ماشینهای دولتی که در محلهای معینی مستقر بودند، در جای خود کاملاً میخکوب

شده بودند و جرئت هیچگونه تحرك و جابجایی خود را نداشتند. شادی ورقص، تبریک گفتن به همدیگر در میان مردم شهر مهاباد، جلوه ای از یک شب بسیار شاد و شکوهمند را نمایش گذاشتند.



بوکان

مردم بوکان نیز مانند مردم دیگر شهرهای کردستان یکپارچه به خیابانها آمدند و با روشن کردن آتش و ترقه هوا کردن، شب بسیار زیبایی را برای خود ایجاد کردند، به همدیگر تبریک می گفتند و به شادی و سرور پرداختند. در شهر بوکان نیز نیروهای انتظامی رژیم جرئت هیچگونه عکس العملی نسبت به شادی و جشن مردم را نداشتند و نظاره گر اوقات و لحظات شادی و خوشی مردم بودند.

پیرانشهر

در پیرانشهر از ساعت ۴ بعدازظهر مردم بصورت گسترده ای به استقبال چهارشنبه سوری رفتند. خیابان بازار قدس، خیابان بازار سیگار و همچنین پارک جنگلی محل حضور گسترده مردم برای جشن چهارشنبه سوری بود. در پارک جنگلی، حضور چشمگیر زنان و جوانان دختر و پسر بسیار جلب توجه می کرد. در



سنندج

روز سه شنبه ۲۷ اسفند مردم شهر سنندج به استقبال شب چهارشنبه سوری رفتند. از ساعت ۴ بعدازظهر تمامی بازار و مغازه ها به حالت تعطیل عمومی درآمد و مردم برای تدارک و شرکت در جشن و شادی چهارشنبه سوری و برای برگزاری تجمع در محلات و پارکها عازم این محلها شدند. در سه نقطه مهم شهر، "شهرک بهاران، خسرو آباد و محله شلمان" گروه موزیک و ساز و آواز برپا کردند. در تمامی محلات شهر، مراسم آتش و ترقه بازی فضای شاد و شورانگیزی را ایجاد کرده بود و به رقص و شادی پرداختند. در اطراف کوه آبیبر نیز آتش روشن کردند و با شور و شوق بی نظیری شب چهارشنبه سوری و سال نو را به همدیگر تبریک گفتند. نیروهای انتظامی رژیم در تمامی مناطق مستقر بودند اما جرئت نکردند کوچکترین عکس العملی از خود نشان دهند. شب چهارشنبه سوری در شهر سنندج سرخ پاسخی

امروز به مناسبت چهارشنبه سوری مردم شهرهای کردستان یکپارچه به خیابانها ریختند، آتش روشن کردند و روی آن پریدند، رقصیدند و شادی کردند. شهرها تماماً در دست مردم بود و نیروهای سرکوب حکومت توان عکس العملی نداشتند. در روستاها نیز مردم به شادی پرداختند و در سراسر کردستان بر بالای بلندی ها آتش روشن کردند و در ابعادی وسیع و گسترده و علیرغم تهدیدات و فتواها و دستگیری ها آپارتاید جنسی را درهم شکستند، حجاب ها را برداشتند و تودهنی محکمی به رژیم ضد شادی و ضد انسان جمهوری اسلامی زدند. گزارش برخی شهرها به ما رسیده است که بطور فشرده به اطلاع میرسند.



پیرانشهر نیز برنامه آتش بازی و هوا کردن ترقه، فضای شاد و شیرینی را به در میان مردم ایجاد کرد.

سردشت و رباط

سه شنبه ۲۷ اسفند شهر سردشت و رباط مراسم چهارشنبه سوری را در تمامی خیابانها و کوچه ها برگزار کردند. مردم با روشن کردن آتش و ترقه بازی، به شادی و خوشی پرداختند و بدون استثنا در تمامی روستاها و بر بلندیها آتش روشن کردند و به شادی و سرور پرداختند.

در سایر شهرها و روستاهای کردستان نیز امروز مراسم چهارشنبه سوری وسیعاً برگزار شد که گزارش مشروح آن بعداً به اطلاع میرسد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به مردم شهرها و روستاهای کردستان درود می فرستد که بصورت وسیع و گسترده ای آپارتاید جنسی را درهم شکستند. استقبال گرم و پر شور شما از چهارشنبه سوری نشان داد که جامعه شدت علیه کل سیستم عزا و فقر و فلاکت به میدان می آید. به امید برگزاری جشنها و حرکتهای وسیع تر و توده ای تر علیه رژیم ضد شادی و ضد انسان جمهوری اسلامی.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳۸۷ اسفند
۱۷ مارس ۲۰۰۹

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!